مکتوبات تاریخی

«اتحاد» پس از ۱۰۰ سال، دوباره منتشر شد

مشروطیت در غرب ایران به روایت یک روزنامه

کتاب «روزنامه اتحاد» منتشر شد؛ اتحاد از روزنامه‌هایی است که در دوران نشر خود به اتحاد و اتفاق مجاهدان صدر مشروطیت یاری کرد و از طرفی، چون مدیران آن بر وقایع جنگ جهانی اول در خطه غرب ایران واقف بودند، مطالب خواندنی و ارزنده‌ای در آن به چاپ رساندند که حتی امروزه جزو اطلاعات مورد نیاز پژوهشگران محسوب می‌شود. کتاب «روزنامه اتحاد» به اهتمام مهدی به‌خیال و با مقدمه پرویز اذکائی، در ۴۶۷ از سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به چاپ رسیده است.

تاریخ جهان

عبدالکریم قاسم چگونه به قتل رسید؟

کودتاچی در دام کودتا

عبدالکریم قاسم، نظامی و سیاستمدار عراقی، در سال ۱۹۱۴ میلادی در شهر بغداد دیده به جهان گشود. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، او در خانواده‌ای فقیر پرورش یافت و سال‌های کودکی خود را در کنار پدرش، به حرفه نجاری و کشاورزی گذراند. قاسم دوره دبیرستان را در رشته ادبی و با کسب نمرات ممتاز به پایان برد. او پس از پایان تحصیلات، به عنوان معلم مدرسه ابتدایی، در شهر شامیه قادسیه، واقع در جنوب عراق، مشغول تدریس شد و پس از یک سال درس دادن، در سال ۱۹۳۲، به دانشکده نظامی رفت و ۱۵ سال بعد، در جه سرتیپی ستاد را دریافت کرد. قاسم در سال ۱۹۵۶، فرماندهی یکی از تیپ‌های ارتش عراق را در اختیار داشت و به ریاست کمیته «افسران آزاد»، کمیته‌ای که به ساقط کردن رژیم سلطنتی و پایان دادن به روابط عراق و انگلیس می اندیشید، برگزیده شد. ۲۳ تیر ۱۳۳۷ ژنرال عبدالکریم قاسم، با کمک سرهنگ عبدالسلام عارف و نیروهایی که در اختیار داشت، در عراق کودتا کرد و ملک فیصل دوم، پادشاه عراق، نوری سعید نخست وزیر و عده زیادی از مقامات مملکتی را به طرز فجیعی به قتل رساند و نظام جمهوری را در این کشور اعلام کرد؛ اما خودش رئیس جمهور نشد. شورایی مرکب از سه نفر برای اداره کشور تشکیل شد و قاسم، مقام ریاست شورا و در عین حال، مقام نخست وزیر و وزارت دفاع را بر عهده گرفت. وی در ژانویه ۱۹۵۹، به درجه سپهبدی ستاد رسید و در همین سال بود که مورد سوءقصد یک گروه پنج نفره از حزب بعث که صدام حسین یکی از اعضای آن بود، قرار گرفت و به شدت زخمی شد. قاسم ظاهراً افسر میهن‌پرستی بود، ولی در مملکت داری و اداره امور، هیچ تجربه‌ای نداشت و از اوضاع جهان و سیاست، بی‌اطلاع بود. از آن جا که وی گرایش‌های فکری و سیاسی چپ‌گرایانه داشت، روابط دیپلماتیک کشورش را با اتحاد جماهیر شوروی، چین و دیگر کشورهای سوسیالیست گسترش داد؛ این روابط، به انعقاد قراردادهای سنگین خرید سلاح بین عراق و شوروی منجر شد. عبدالکریم قاسم در ۴ فروردین ۱۳۲۸، از پیمان بغداد که در سال ۱۹۵۵ میان عراق، ترکیه، انگلستان، پاکستان و ایران به امضا رسیده بود، خارج شد و عملاً سیاستی ضد آمریکایی در پیش گرفت. او سرانجام در کودتای سال ۱۹۶۳ در محوطه ساختمان رادیو عراق، به قتل رسید.

مظفرالدین‌شاه؛ «اسکورسیزی» قاجارها!

شاه بیمار قاجار علاوه بر بازیگری، به کارگردانی هم بسیار علاقه‌مند بود

جواد نوائیان رودسری – سفرهای فرنگ شاهان متأخر قاجار، عموماً به بهانه کسب تجدد و البته، با پول و هزینه مردم انجام می‌شد. برخی مورخان معتقدند که این سفرها، رهاوردهای مادی و معنوی مختلفی برای ایران داشته است؛ رهاوردهایی که بیشتر به کار کشورهای توسعه‌یافته می‌آمد و ایران عصر قاجار که از حداقل‌ها هم محروم بود، نمی‌توانست از این سوغاتی‌های عجیب و غریب، طرفی ببندد. بارها در همین صفحه، به برخی از جلوه‌های این جویندگی تجدد اشاره کرده‌ایم. مثلاً گفته‌ایم که مظفرالدین‌شاه، پس از حضور در نمایشگاه پاریس، پودر خارش‌زا به ایران آورد تا به جان نوکرانش بیندازد و بخندد! این بار هم می‌خواهیم به یکی از رهاوردهای سفر فرنگ این شاه قاجار بپردازیم. مظفرالدین‌شاه در سال ۱۸۹۹ میلادی (۱۲۷۹ هـ.ش)، سفری به فرنگ داشت و طی آن، از پاریس و چند شهر اروپایی دیدن کرد. در همین سفر بود که پدیده «سینماتوگراف» یا همان سینمای خودمان که هنوز چند سالی بیشتر از اختراعش نگذشته بود، نظر شاه بوالهوس قاجار را جلب کرد و این اقدام، سرآغازی شد برای علاقه مظفرالدین‌شاه به آکتوری (بازیگری) و رژیسوری (کارگردانی)؛ این شیفتگی، آثاری چند را هم پدید آورد؛ فیلم‌های کوتاهی که مظفرالدین‌شاه در آن‌ها بازی می‌کرد و گاه، صحنه‌پردازی، نوشتن سناریو و کارگردانی آن‌ها را نیز، بر عهده می‌گرفت.

■ **آن سفر خیال‌انگیز**

وقتی مظفرالدین‌شاه به پاریس رسید، حدود چهار سال از اولین نمایش فیلم توسط برادران لومیر گذشته و شارل پاته، شرکت مهم فیلم‌سازی خود را تأسیس کرده بود. میرزا ملکم‌خان که همراه مظفرالدین‌شاه در این سفر بود، گزارشی از آشنایی او با سینما، به دست می‌دهد: «۳۰ ژوئیه ۱۹۰۰ – در عمارت سوورن، به امتحان قدری موزیک و امتحان سینه ماتوگراف که می‌خواستند ابتیاع فرمایند، مصروف داشتند.» شاه از مدتی قبل و هنگام استراحت یک ماهه در منطقه «کنتر سویل» فرانسه که به داشتن چشمه‌های آب معدنی خوب شهرت داشت، با سینما آشنا شده، اما آن را از نزدیک لمس نکرده بود. فرانسوی‌ها که به دلیل مرگ پادشاه انگلیس، مدت بیشتری میزبان مظفرالدین شاه بودند، برایش سنگ تمام گذاشتند. دستگاه سینماتوگراف، هر روز برای قبله عالم فیلم‌های مستند و گزارشی پخش می‌کرد؛ اما خبری از فیلم‌های داستانی نبود؛ تا این که یک‌بار یکی از فیلم‌های شرکت «مه لی یس» که در آن زمان اقتصاد سینما را در اختیار داشت، برای شاه پخش شد. مظفرالدین‌شاه پس از تماشای فیلم، چنان جذب آن شد که دیگر جز آکتوری و رژیسوری، سودایی در سر نداشت! او در خاطراتش نوشت: «پرده بزرگی در وسط تالار بلند کردند و تمام چراغ‌های الکتریک را خاموش و تاریک نموده و عکس سینماتوگراف را به آن پرده بزرگ انداختند. خیلی تماشا دادند، من جمله مسافرین آفریقا و عربستان را که در صحرای آفریقا راه می‌پیمایند، به ما نمودند که خیلی دیدنی بود ... به عکاس‌باشی دستور دادیم همه قسم آن‌ها را خریده، به طهران بیاورند که ان‌شاءا... همان‌جا درست کرده، به نوکرهای خودمان، نشان بدهیم.» این اقدام، نخستین گام برای ظهور پدیده‌ای به نام مظفرالدین‌شاه در عرصه هنر هفتم بود!

■ **«کات» دادن‌های قبله عالم!**

دوربین مدنظر شاه قاجار، از شرکت «گومون» خریداری شد. همه فکر می‌کردند مظفرالدین‌شاه کار فیلم‌سازی را در ایران شروع می‌کند؛ اما آتش قبله عالم خیلی تند بود! وقتی در مسیر برگشت به سواحل بلژیک رسید، هوس کرد که فیلمی را با محوریت خانمی فرانسوی به نام «کرون»، بسازد. ملکم‌خان می‌نویسد: «از آن جایی که مشق و امتحان اتوموبیل‌رانی، موجب خرسندی و مسرت خاطر مبارک اعلیحضرت شاهنشاه شده بود و برای آن که یادگار آن روز و آن مجلس ثابت بماند، به اشاره بندگان اقدس همایون، مادام کرون در دست چپ اعلیحضرت قرار گرفته، یک سلسله عکس متحرک با سینماتوگراف، برداشته شد.»

■ **اولین فیلم مستند ایران**

وقتی مظفرالدین‌شاه به ایران رسید، تازه اول شیطنت همایونی بود! شروع کرد به فیلم گرفتن از در و دیوار قصر و حیواناتی که از مجمع‌الوحوش ناصری باقی مانده بود. مدتی بعد، مظفرالدین‌شاه هوس کرد که از عرصه رژیسوری، به فضای آکتوری ورود کند. فیلم‌های کوتاهی ساخت که در آن‌ها، دوربین فیلم‌برداری ثابت بود و فقط افراد حرکت می‌کردند؛ در یکی از این فیلم‌ها که به فیلم «شکار» معروف است، شاه و تعدادی از نوکرانش، در مسیر دید دوربین عقب و جلو می‌روند و بعد، ناگهان از صحنه محو می‌شوند؛ سپس سر و کله تعدادی تفنگ به دست پیدا می‌شود که بی‌هدف، این طرف و آن طرف را نشانه می‌گیرند. همه این اثر فاخر، ۵۶ ثانیه طول می‌کشد! گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مظفرالدین‌شاه، درصدد تولید فیلمی مستند از مراسم عزاداری بوده است؛ هر چند که امروزه اثری از این فیلم باقی نیست، اما به هر حال، اگر ساخت آن به انجام رسیده باشد، باید مظفرالدین‌شاه را نخستین مستندساز ایران بدانیم. جالب است که او در ساخت فیلم به هیچ کس اعتماد نداشت و سعی می‌کرد تمام کارهای فیلم، به جز چاپ و امور فنی مربوط به آن را، خودش انجام دهد؛ در واقع او مدیر فیلم‌برداری، تهیه کننده و ... آثار خودش بود؛ اصطلاحاً یک فیلم‌ساز مؤلف که تنه به تنه چارلی چاپلین می‌زد! با این حال، شدت گرفتن بیماری سل، اسکورسیزی خاندان قاجار را از دل و دماغ انداخت. او در آخرین سفرش به فرنگ، دیگر حوصله فیلم‌سازی نداشت و مدتی بعد از امضای فرمان مشروطیت، درگذشت.

مستشار مالی آمریکایی در ایران چه می‌کرد؟

آرتور میلسپو؛ چهره دوگانه یک مأمور بیگانه

گزارش تاریخی

آرتور میلسپو، مستشار آمریکایی، از جمله مستشاران مالی شناخته شده در ایران است که دوبار به استخدام دولت ایران درآمد. به گزارش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، او اولین بار در سال ۱۳۰۱ و دومین بار در سال ۱۳۲۲ هـ.ش وارد ایران شد تا به رتق و فتق امور اقتصادی بپردازد. وی طی فعالیت چند ساله خود، اقدامات زیادی در زمینه تنظیم امور مالی کشور انجام داد که از نظر بسیاری، کاملاً مثبت و تأثیرگذار بود. اما واقعیت این است که تمام اقدامات میلسپو، به ویژه در دوره دوم، مثبت و کارساز نبود و در برخی از موارد با کارشکنی و تلاش برای کسب منافع سیاسی همراه بود که همین موضوع نیز، در نهایت موجب برکناری وی شد.

■ **مأموریت دوره اول**

ورود میلسپو به ایران، در سال ۱۳۰۱، چندان خوشایند انگلیس نبود و از طرفی، در میان سیاستمداران ایرانی، آنان که خاطره خوشی از مورگان شوستر داشتند، خواهان به کارگیری مجدد او بودند. به همین دلیل، انگلیس طی یادداشتی، در ۱۳ نوامبر ۱۹۲۲، تقاضا کرد کلیه بدهی‌های معوق دولت ایران به این کشور، فوراً تسویه شود؛ حال آن که همه می‌دانستند دولت ایران در خزانه پولی ندارد. در این دوره، میلسپو با برخورداری از امکانات اجرایی، سختگیری‌های زیادی را اعمال می‌کرد و تا حدودی، با اقدامات مثبت خود، همچون اصلاح نظام مالیاتی، تأسیس اداره مالیه و ... به اوضاع مالی انتظام بخشید. اما این مسئله، برای رضاخان که توانسته بود به تازگی بر سریر قدرت تکیه بزند، پذیرفتنی نبود و از آن جا که به تعبیری، دو پادشاه در اقلیمی نگنجند، عملاً رابطه میلسپو و پهلوی اول تیره شد و در نهایت، میلسپو بعد از پنج سال، به اجبار خاک ایران را ترک کرد.

■ **مأموریت دوره دوم**

آرتور میلسپو بعد از اشغال کشور توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و بروز مشکلات ناشی از جنگ جهانی دوم، مانند قحطی و بیماری، دوباره به ایران آمد. البته عملکرد وی در این دوره، مانند دوره اول، چندان مثبت نبود و با کارشکنی‌های زیادی همراه شد. در این دوره، قوام‌السلطنه، پیشنهاد استخدام مستشاران آمریکایی را مطرح کرد تا ضمن رسیدگی به اوضاع نامناسب اقتصادی، از آمریکا به عنوان نیروی سوم در برابر انگلیس و شوروی استفاده کند. بنابراین، میلسپو به ایران آمد و زیر نظر وزیر دارایی، اختیار تصمیم‌گیری در این موارد را کسب کرد: ۱- تهیه و تنظیم مقررات مالی، ۲- تأمین خواربار عمومی، ۳- تثبیت قیمت‌ها، ۴- حل مسئله حمل و نقل، ۵- تنظیم بودجه و ۶- استخدام، ترفیع و تنزل رتبه و انتقال یا اخراج کارمندان وزارتخانه با مشورت وزیر دارایی. بهره‌مندی از این اختیارات، باعث شد میلسپو، به جای رسیدگی به اوضاع اقتصادی، در صدد تأمین منافع شخصی خود و کشور متبوعش برآید. از این رو، بسیاری از سیاست‌های وی، در همان دوره کوتاه، با نتایج عکس همراه بود و اعتراض مردم و نمایندگان را به دنبال داشت. چنان که بر اثر این سیاست‌ها و نیز سوءاستفاده مستشاران آمریکایی، عرضه ارزاق و مایحتاج عمومی، وضع بدتری پیدا کرد؛ بهای اجناس سیر صعودی یافت، قحطی و گرسنگی در بعضی مناطق باعث اعتراضات گسترده مردمی شد و بدهی دولت به بانک ملی، به طور سرسام‌آوری افزایش یافت. میلسپو در این دوره، برخلاف دوره اول، بیشتر درصدد بود که با واداشتن دولت به دریافت وام از آمریکا، موجبات ورود این کشور به صحنه اقتصادی و سیاسی ایران را فراهم کند. عملکرد نادرست میلسپو، پایان زودهنگام مأموریت او را در پی داشت و باعث شد تا زمزمه برکناری او از سوی مجلس، در فروردین ۱۳۲۳ آغاز شود و به این ترتیب، با تصویب لایحه لغو اختیارات وی، کار میلسپو در ایران، برای همیشه به پایان رسید.

آرتور میلسپو (نشسته، چهارم از راست) در کنار تعدادی از همکاران ایرانی اش

تاریخ معاصر

آیا رزم‌آرا در ترور شاه دست داشت؟

«تیمسار» علیه «محمدرضا»!

۱۵ بهمن ۱۳۲۷ محمدرضا پهلوی در محوطه دانشگاه تهران، از سوی فردی به نام ناصر فخرآرایی مورد سوءقصد قرار گرفت، اما جان سالم به در برد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، درباره عوامل اصلی این ترور، شایعات زیادی بر سر زبان‌ها افتاد و برخی آن را به حزب توده و گروه‌های مذهبی نسبت دادند. اما در این بین، شایعه‌ای بسیار قوی وجود داشت که رزم‌آرا، رئیس ستاد ارتش را، طراح اصلی ترور می‌دانست؛ چرا که او بعد از محمدرضا پهلوی، دومین فرد قدرتمند ایران محسوب می‌شد و با توجه به شخصیت جاه‌طلب و قدرت‌طلبی که داشت، امکان صحت این شایعه، زیاد بود. طبق شایعه، هدف رزم‌آرا این بود که با از میان برداشتن شاه، قدرت را در ایران به دست بگیرد. او برای رسیدن به این هدف، به سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس نزدیک شده و قول اعطای امتیاز را به آن‌ها داده بود. شرایط سیاسی کشور در آن زمان به گونه‌ای بود که بخش مهمی از دولت و نمایندگان مجلس و نیروهای نظامی و انتظامی، وابسته به رزم‌آرا بودند و بعد از شاه، او در سیاست کشور تأثیرگذار بود و اگر شاه کشته می‌شد، بدون شک زمام امور کشور را در اختیار می‌گرفت. رزم‌آرا برای رسیدن به اهدافش، با سیاستمداران و احزاب مختلف ارتباط برقرار می‌کرد که از جمله این احزاب، حزب توده بود. کیانوری از رهبران حزب توده هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم، از طریق هم‌حزبی‌اش، خسرو روزبه، با رزم‌آرا ارتباط داشت. حزب توده، روز ۱۴ بهمن هر سال، مراسم یادبود دکتر تقی ارانی را برگزار می‌کرد که این بار، به پیشنهاد کیانوری، این مراسم به روز ۱۵ بهمن، یعنی همان روز ترور شاه موکول شد؛ ضمن این که رزم‌آرا، در همین روز به تمامی پادگان‌های نظامی پایتخت، دستور آماده‌باش داده بود. با این حال، فریدون کشاورز، از اعضای حزب توده که بعدها از این حزب جدا شد، ادعا می‌کند که کمیته مرکزی، هیئت اجرائیه و دبیرکل حزب توده، از ماجرای ترور شاه کاملاً بی‌خبر بودند و کمیته‌ای به نام کمیته ترور که به صورت مخفی در حزب توده فعالیت می‌کرد و کامبخش و کیانوری آن را اداره می‌کردند، با ترور شاه ارتباط داشت. ضمن این که این کمیته، قبلاً ترورهایی را انجام داده بود؛ از جمله ترور دو روزنامه‌نگار به نام‌های محمد مسعود و احمد دهقان. کیانوری از طریق یکی از اعضای حزب توده به نام ارکانی، از چند ماه قبل از ترور شاه، با فخرآرایی ارتباط داشت. در زمان ترور شاه، حزب توده به علت شکست فرقه دموکرات آذربایجان و مسائل حاشیه‌ای آن، دیگر قدرت سابق را نداشت تا بتواند بعد از مرگ شاه، قدرت را در دست بگیرد. اما رزم‌آرا به این علت که قسمت اعظم ارتش را در اختیار داشت، تنها کسی بود که می‌توانست از ترور شاه بیشترین استفاده را ببرد و این یکی از مهم‌ترین دلایلی است که ظن دست داشتن رزم‌آرا در ترور محمدرضا پهلوی را تقویت می‌کند.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

سرکار خانم دکترمهسا مهاجر
انتصاب شایسته جنابعالی به عنوان
مدیر داخلی بیمارستان بنت الهدی
را تبریک عرض می نماییم.
رویا و ندا وکیلی
ع/۹۸۱۲۵۵۲۴

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی :
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی :
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰
ع/۹۸۱۱۷۳۸۷

جناب آقای دکتر آخوندیان
قبول مسئولیت و انتخاب جنابعالی به عنوان
مدیر گروه کودکان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
را تبریک می گوییم، امید موفقیت و سربلندی این گروه بزرگ و پرتلاش را داشته
و از خدمات شایسته جناب آقای دکتر معموری کمال سپاسگزاری را داریم.
گروه کودکان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
ع/۹۸۱۲۵۹۳۸

«آگهی مزایده عمومی املاک مازاد بانک کشاورزی» (آگهی نوبت دوم)
مدیریت شعب بانک کشاورزی استان خراسان جنوبی درنظر دارد املاک مازاد تحت اختیارخودرا از طریق برگزاری مزایده عمومی باجزئیات وشرایط مندرج در اسناد مزایده، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) با شماره مزایده ۲۰۹۸۰۰۳۶۴۸۰۰۰۰۱ به فروش برساند. تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲
مهلت دریافت اسناد مزایده: تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ ساعت ۱۰ تاریخ بازدید: از تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ لغایت ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ از ساعت ۸ صبح تا ۱۲:۳۰ بعدازظهر
مهلت ارسال پیشنهاد: ازتاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ساعت۸ صبح لغایت ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ ساعت ۱۴ بعدازظهر
تاریخ بازگشایی پاکت پیشنهاد ها: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳ ساعت ۱۰ صبح تاریخ اعلام به برنده : ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

لیست املاک مازاد بانک کشاورزی استان خراسان جنوبی

ردیف	آدرس ملک	مشخصات ثبتی ملک	کاربری	وضعیت تصرف: بانک	وضعیت تصرف: مشروز	میزان مالکیت بانک	متراژ کل: عرصه	متراژ کل: اعیان	قیمت پایه به (ریال)	نحوه فروش	توضیحات
۱	خوسف - حاشیه بلوار امام خمینی (ره)-نبش کوچه امام خمینی (ره)۸ -روبروی مسجد علی بن ابیطالب	پلاک ثبتی فرعی ۴۲۰ از ۵ اصلی بخش ۳ بیرجند	زمین مسکونی	*	*	ششدانگ عرصه	۱۷۶۸/۶۱	۰	۵،۳۰۵،۸۳۰،۰۰۰	بصورت نقدی	زمین سه نبش و دارای حصار کشی به ارتفاع ۱،۸ متر می باشد.
۲	آرین شهر -خیابا ن بسیج -خیابان معلم غربی	پلاک ثبتی ۲۹۷۵ فرعی از ۱۲۸ اصلی بخش ۹ قاین	زمین اداری	*	*	ششدانگ عرصه	۳۰۰	۰	۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰	بصورت نقدی	دارای حصار کشی
۳	آرین شهر -خیابا ن بسیج -خیابان رجائی غربی	پلاک ثبتی ۲۹۷۶ فرعی از ۱۲۸ اصلی بخش ۹ قاین	زمین اداری	*	*	ششدانگ عرصه	۳۰۰	۰	۲۸۵،۰۰۰،۰۰۰	بصورت نقدی	دارای حصار کشی

ع/۹۸۱۲۵۲۴۹